



The effect of competitive incentives on audit fees

- Issa zarei ^۱
- Erfan kjataei ^۲
- Moin Yazdani Sadati ^۳

Abstract

The main purpose of this research is to examine the relationship between competitive incentives related to the position of senior executive management (CEO) and audit fees. The statistical population of this research is the companies admitted to the Tehran Stock Exchange for the years ۲۰۱۸ to ۲۰۱۹. The number of research samples is ۴۹ companies. To measure the variable of competitive incentives from ۲ components (the difference between the salary of the chief executive officer and the average salary of other managers, the actual net profit of the company, the expected net profit, the annual return due to dividends and the change in the stock price that the chief executive officer owns it) and PLS software was used to analyze the relationships between variables. The results of the research showed that competitive incentives have a direct and significant effect on audit fees. In addition, the results showed that the adjusting variables of return on total assets, return on equity, debt ratio and current ratio; None of them have a significant effect on the mentioned relationship.

Key words: competitive incentives, audit fee, chief executive officer.

^۱ Instructor of Accounting, management and economics department of payam noor university, Tehran, Iran. Email: Acc.zarei@gmail.com.

^۲ Master of Accounting, Islamic Azad University, South Tehran Branch, Tehran, Iran. Email: khataeerfan@gmail.com.

^۳ Master's student in accounting, Lahijan Azad University, Lahijan, Iran. Email: Moeinyazdani۲۰۲۳@gmail.com.

اثر مشوق‌های رقابتی بر حق الزحمه حسابرسی

- عیسی زارعی^۱
- عرفان ختائی^۲
- معین یزدانی ساداتی^۳

چکیده

هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی رابطه بین مشوق‌های رقابتی مربوط به پست مدیریت ارشد اجرایی (مدیر عامل) و حق الزحمه حسابرسی است. جامعه آماری این پژوهش، شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران برای سال‌های ۱۳۹۸ تا ۱۴۰۱ است. تعداد نمونه پژوهش ۴۹ شرکت است. برای اندازه‌گیری متغیر مشوق‌های رقابتی از ۵ مولفه (تفاوت حقوق مدیر ارشد اجرایی و میانگین حقوق سایر مدیران، سود خالص واقعی شرکت، سود خالص پیش‌بینی شده، بازدهی سالانه ناشی از سود سهام و تغییر قیمت سهامی که مدیر ارشد اجرایی مالک آن است) و برای تجزیه و تحلیل روابط بین متغیرها از نرم افزار PLS استفاده شد. نتایج پژوهش نشان داد مشوق‌های رقابتی بر حق الزحمه حسابرسی اثری مستقیم و معنی‌دار دارد. علاوه بر این نتایج نشان داد متغیرهای تعدیلگر بازده کل دارایی‌ها، بازده حقوق صاحبان سهام، نسبت بدهی و نسبت جاری؛ هیچکدام اثری معنی‌دار بر رابطه مزبور ندارند.

واژگان کلیدی: مشوق‌های رقابتی، حق الزحمه حسابرسی، مدیر ارشد اجرایی.

^۱ مربی گروه حسابداری، مدیریت و اقتصاد دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. ایمیل: Acc.zarei@gmail.com

^۲ کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب، تهران، ایران. ایمیل: khataaeerfan@gmail.com

^۳ دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه آزاد لاهیجان، لاهیجان، ایران. ایمیل: Moeinyazdani2023@gmail.com

۱. مقدمه



مدیر عامل یا مدیر ارشد اجرایی، عالی‌رتبه‌ترین مسئول اداری و اجرایی یک شرکت است که به هیأت مدیره گزارش می‌دهد. مدیر ارشد اجرایی به عنوان رهبر یک شرکت به هیأت مدیره مشورت می‌دهد، کارمندان را تهییج می‌کند و عملیات روزانه شرکت را اداره می‌کند. مدیران ارشد اجرایی در اولویت‌های سازمانی، طراحی واحدهای تولیدی، خدماتی و بازرگانی نقش مهمی داشته و تمام تلاش خود را در بهبود کارایی و اثر بخشی فعالیت‌ها برای رسیدن به بهره‌وری بیشتر بکار می‌گیرند (بریان و ماسون، ۲۰۲۳). بنابراین مدیر ارشد اجرایی با توجه به وظایف مهمی که دارد، حیطه اختیارات گسترده‌ای نیز دارد. شاید همین موضوع عاملی است که زمینه تقلب آنان را هموارتر کرده و باعث توجه پژوهش‌های فراوانی به این امر مهم گردیده است. بیسلی و همکاران (۲۰۲۲) در پژوهش خود ادعا می‌کنند در ۷۲ درصد پرونده‌های تقلب، مدیران ارشد اجرایی دست دارند. علاوه بر این ادعا می‌کنند مدیران اجرایی در ۸۳ درصد از موارد گزارشگری مالی متقلبانه مشارکت دارند. بنابراین سهم این مدیران در تخلفات مالی شرکت‌ها، بسیار بزرگ و نگران کننده است. در هرم سازمانی، مدیران اجرایی با وظایف و اختیارات کمتر (مانند مدیر اجرایی مالی، فروش و ...) در زیر مجموعه مدیر ارشد اجرایی شرکت قرار می‌گیرند. به ابزارهای انگیزشی که برای رسیدن مدیران اجرایی شرکت به پست مدیریت ارشد اجرایی وجود دارد اصطلاحاً مشوق‌های رقابتی نامیده می‌شود (بریان و ماسون، ۲۰۲۳). بکارگیری این گونه مشوق‌ها می‌تواند نتایجی متفاوت داشته باشد. نخست اینکه، باعث رقابت بیشتر بین مدیران اجرایی برای رسیدن به پست مدنظر و یا تلاش بیشتر مدیر ارشد اجرایی حاضر برای ماندن در پست فعلی و در نتیجه بهبود وضعیت شرکت گردد و دوم اینکه، باعث انجام تخلفاتی توسط مدیران اجرایی و یا مدیر ارشد اجرایی برای بهتر نشان دادن کارایی و اثر بخشی فعالیت‌های خود و در نتیجه رسیدن به پست مدنظر و یا حفظ پست فعلی گردد (کنرادز و همکاران، ۲۰۲۳ و فارگر و همکاران، ۲۰۱۴). بنابراین بکارگیری مشوق‌های رقابتی علاوه بر نتایج مثبت، می‌تواند نتایج مخرب نیز به بار داشته باشد و باعث بالا رفتن احتمال ریسک تقلب و گزارشگری مالی متقلبانه گردد.

بالا بودن خطر حسابرسی موضوعی است که باعث می‌شود حسابرسان با توجه به بالا رفتن خطر دعاوی حقوقی علیه حسابرسان و بالا بودن احتمال گزارشگری مالی متقلبانه، حق الزحمه بالاتری را برای انجام حسابرسی مطالبه نمایند (پرات و استیس، ۱۹۹۴؛ پالمروس، ۱۹۸۷ و استنلی، ۲۰۱۱). از آنجایی که یکی از نتایج بکارگیری مشوق‌های رقابتی، انجام تقلب توسط مدیران اجرایی و مدیر ارشد اجرایی است؛ بنابراین می‌توان گفت مشوق‌های رقابتی با حق الزحمه حسابرسی مطالبه شده توسط حسابرسان ارتباط دارند. در کشور ایران با توجه به عدم توجه پژوهش‌های داخلی به موضوع ارتباط بین مشوق‌های رقابتی و حق الزحمه حسابرسی، بررسی این موضوع و در نظر گرفتن اثر متغیرهای کنترلی (اندازه شرکت، نوع حسابرسان و نوع حسابرسی) و تعدیلگر (نسبت بازده دارایی، نسبت بدهی و ...) بر این رابطه، نیازی اساسی به نظر می‌رسد. چراکه نتایج پژوهش حاضر می‌تواند در بازنگری اساسی در مشوق‌های رقابتی به ظاهر سازنده، بسیار مفیده فایده

قرار گرفته و پاسخی به این سوال باشد که آیا مشوق‌های رقابتی مقرر شده برای پست مدیریت اجرایی ارتباط معناداری با حق الزحمه مطالبه شده از سوی حساب‌رسان دارد یا خیر.

۲. مبانی نظری

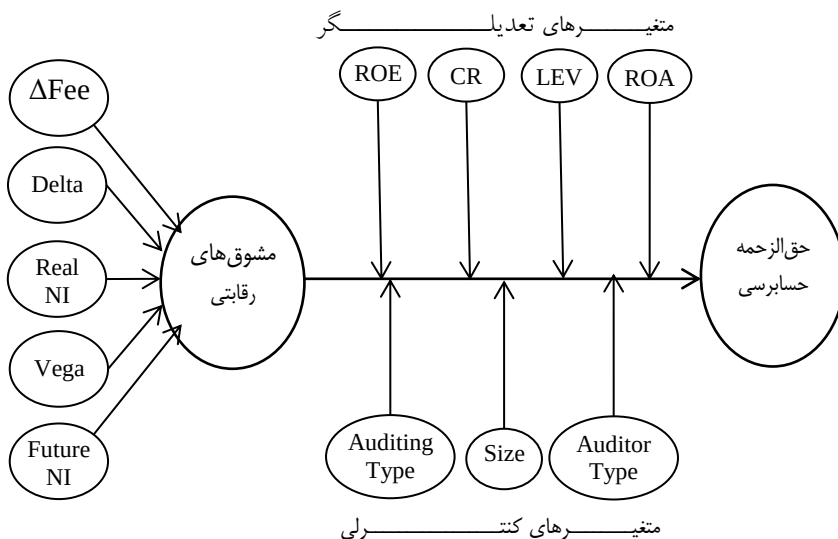
پرداخت حقوق و مزایای مبتنی بر عملکرد به مدیران ارشد اجرایی بر ارزیابی ریسک حسابرسی اثر گذار است (چن و همکاران، ۲۰۲۲؛ فارگر و همکاران، ۲۰۲۲، کانان و همکاران، ۲۰۱۴؛ کانان و همکاران، ۲۰۱۲ و کیم و همکاران، ۲۰۱۵). در واقع تفاوت حقوق و مزایا و سایر منافع که عاید مدیر ارشد اجرایی می‌شود با دریافتی سایر مدیران اجرایی شرکت، نوعی انگیزه برای تلاش مدیر ارشد اجرایی وقت، برای ابقا در پست حاضر و از طرف دیگر تلاش سایر مدیران به منظور رسیدن به پست مزبور دارد. به اینگونه تفاوت‌ها اصطلاحاً مشوق‌های رقابتی نامیده می‌شود (هاب و همکاران، ۲۰۱۵؛ کال و همکاران، ۲۰۰۹، کینی و ویلیامز، ۲۰۱۲، کوپیک و ماسلی، ۲۰۱۶؛ لازر و روزن، ۱۹۸۱ و پرندرگست، ۱۹۹۹).

برخی پژوهش‌های پیشین ادعا می‌کنند رقابت شدید بین مدیران اجرایی باعث بهبود عملکرد شرکت خواهد شد (کال و همکاران، ۲۰۰۹؛ لازر و روزن، ۱۹۸۱ و پرندرگست، ۱۹۹۹). متقابلاً این رقابت می‌تواند اثرات مخربی نیز داشته باشد. به عنوان مثال در برخی پژوهش‌ها اینگونه استدلال می‌شود که مشوق‌های رقابتی قوی‌تر با افزایش گزارشگری نادرست (کنرادز و همکاران، ۲۰۱۴)، فعالیت‌های خرابکارانه بیشتر (هاربینگ و ایرلنبوش، ۲۰۱۱) و افزایش احتمال تقلب (هاب و همکاران، ۲۰۱۵) رابطه دارد. علاوه بر این برخی از پژوهش‌ها ادعا می‌کنند مشوق‌های رقابتی بیشتر با ریسک‌پذیری بیشتر ارتباط دارند (گل و تاکور، ۲۰۰۸؛ کینی و ویلیامز، ۲۰۱۲ و کوپیک و ماسلی، ۲۰۱۶) که می‌تواند به شرکت‌هایی که ریسک‌پذیری بالایی دارند خسارت‌های جبران ناپذیری وارد کند. در پژوهش حاضر اینگونه فرض می‌شود که حساب‌رسان به مشوق‌های رقابتی به عنوان معیاری که بر ایجاد خطر تحریف با اهمیت اثر گذار است نگاه می‌کنند. در نتیجه می‌توان گفت فرض اصلی تحقیق حاضر این است که مشوق‌های رقابتی بر حق الزحمه حسابرسی اثر گذار است. این رابطه در شکل (۱) به تصویر کشیده شده است.

مشوق‌های رقابتی

مشوق‌های رقابتی نوعی مشوق هستند که بین مدیران، رقابتی ایجاد می‌کند که باعث می‌شود سعی کنند نسبت به سایر افراد بهتر عمل نموده تا به پست مدیریت ارشد اجرایی شرکت منصوب گردند یا از طرف دیگر مدیر ارشد اجرایی کنونی شرکت به گونه‌ای عمل نماید که شرایط فعلی خود را برای آینده تثبیت نماید (هاب و همکاران، ۲۰۲۳؛ کال و همکاران، ۲۰۰۹؛ کینی و ویلیامز، ۲۰۱۲، کوپیک و ماسلی، ۲۰۱۶، لازر و روزن، ۱۹۸۱ و پرندرگست، ۱۹۹۹). این تلاش برای بهتر بودن از یک طرف می‌تواند منجر به بهبود عملکرد شرکت گردد (کال و همکاران، ۲۰۰۹؛ لازر و روزن، ۱۹۸۱ و پرندرگست، ۱۹۹۹) و در طرف دیگر می‌تواند عاملی در جهت تحریف با اهمیت در صورتهای مالی از طریق دستکاری گزارش‌های مالی باشد. به همین علت پژوهش‌های اخیر، مشوق‌های مالی را تهدیدی بر صحت صورتهای مالی می‌دانند. به عنوان مثال کنرادز و همکاران

(۲۰۱۴) ادعا می‌کنند مشوق‌های مالی قوی‌تر با گزارشگری عملکرد غیرمنصفانه‌تر ارتباط دارد و هاب و همکاران (۲۰۱۵) نیز در پژوهش خود مشوق‌های مالی قوی را علتی بر افزایش معنادار تقلب می‌دانند. شکل ۱.۱ ارتباط بین متغیرهای تحقیق



حق الزحمه حسابرسی

خطر حسابرسی خطری است که حسابرس علی‌رغم وجود تحریف‌های با اهمیت در صورت‌های مالی، نظر حرفه‌ای نامناسب ارائه می‌کند (هیأت نظارت بر حسابداری بخش عمومی، ۲۰۱۰)، در حالی که ریسک کسب و کار حسابرس به این معنی است که حسابرس در شرایطی قرار بگیرد که به عملکرد حرفه‌ای خود به علت مسائل حقوقی و سایر وقایعی که نشأت گرفته از صورت‌های مالی حسابرسی شده و گزارش‌های مبتنی بر آن است صدمه وارد کند (انجمن حسابداران رسمی آمریکا، ۲۰۰۶). این صدمات که عموماً مالی و سنگین نیز می‌باشند باعث دقت بیشتر حسابرس در تعیین حق الزحمه حسابرسی می‌گردد. پژوهش‌های پیشین نیز نشان می‌دهند حسابرس در صورت مواجهه با خطر حسابرسی و یا خطر کسب و کار حسابرسی بالا، حق الزحمه بالاتری را مطالبه می‌کند (بدارد و جانستون، ۲۰۰۴؛ بل و همکاران، ۲۰۰۱؛ گول و همکاران، ۲۰۰۳؛ لیون و ماهر، ۲۰۰۵؛ اسکلمن و نچل، ۲۰۱۰؛ سیتارامن و همکاران، ۲۰۰۲؛ سیمونیک، ۱۹۸۰ و استنلی، ۲۰۱۱).

حق الزحمه حسابرسی و مشوق‌های رقابتی

مشوق‌های رقابتی اجرایی به احتمال زیادی می‌تواند بر درک حسابرس از خطر حسابرسی و ریسک کسب و کار حسابرس اثر گذار باشد. استانداردهای حسابرسی بیان می‌کند هنگام ارزیابی خطر تحریف با اهمیت و تقلب، "مشوقهای جبران خدمات اجرایی" باید در نظر گرفته شوند (انجمن حسابداران رسمی آمریکا، ۲۰۰۲ و هیات نظارت بر حسابداری بخش عمومی، ۲۰۱۰). پژوهش‌های پیشین نیز ادعا کردند حسابرسان هنگام ارزیابی ریسک به مشوق‌های جبران خدمات اجرایی مبتنی بر عملکرد توجه دارند (بیلینگز و همکاران، ۲۰۱۴؛ چن و همکاران، ۲۰۱۵؛ فارگر و همکاران، ۲۰۱۴ و کیم و همکاران، ۲۰۱۵). بنابراین با توجه به پژوهش‌های پیشین که ادعا می‌کنند بین مشوق‌های رقابتی و گزارشگری مالی متقلبانه رابطه‌ای مثبت وجود دارد (هاب و همکاران، ۲۰۱۵ و کنرادز و همکاران، ۲۰۱۴)، ما نیز تصور می‌کنیم با ایجاد مشوق‌های رقابتی قوی‌تر، درک حسابرس از ریسک حسابرسی بالاتر خواهد بود و در نتیجه حق الزحمه بالاتری را مطالبه خواهد نمود.

علاوه بر ریسک حسابرسی، حسابرسان به ریسک کسب و کار حسابرسی در هنگام ارزیابی ریسک توجه دارند (انجمن حسابداران رسمی آمریکا، ۲۰۰۶ و جانسون و همکاران، ۲۰۰۲). یکی از مهمترین موارد مربوط به ریسک کسب و کار، ریسک خطر دادخواهی علیه حسابرس در دادگاه است. وقتی سهامداران زیان می‌بینند، طرف اصلی پرونده‌های حقوقی، حسابرسان هستند زیرا وضعیت مالی موسسات حسابرسی نسبتاً خوب است، علاوه بر این پژوهش‌ها نشان می‌دهند حجمه حقوقی به سمت حسابرسان مخصوصاً زمانی که شرکت اوضاع مناسبی ندارد بیشتر است (پرت و استیس، ۱۹۹۴ و استنلی، ۲۰۱۱). بنابراین فاکتورهایی که منجر به بهبود وضعیت مالی شرکت می‌شوند، ریسک کسب و کار حسابرس را کاهش می‌دهند در حالی که فاکتورهایی که وضعیت مالی شرکت را تهدید می‌کنند، باعث افزایش ریسک کسب و کار حسابرس می‌گردد.

۳. پیشینه پژوهش

سجادی و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهشی به بررسی رابطه‌ی بین حق الزحمه حسابرس مستقل و پاداش هیئت مدیره پرداختند. نمونه آماری پژوهش شامل ۷۲ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی دوره زمانی ۱۳۸۴ الی ۱۳۸۸ است که سهام آن‌ها به طور فعال در بورس معامله شده است. نتایج حاکی از این است بین حق الزحمه حسابرسی و پاداش هیئت مدیره رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. افزایش پاداش پرداختی به مدیران به علت افزایش پیچیدگی‌ها و عملیات شرکت است که نیازمند حسابرسی با کیفیت بالاتر و در نتیجه حق الزحمه پرداختی بالاتری نیز می‌باشد.

خدادادی و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی به بررسی رابطه‌ی بین عدم قطعیت مدیریت و حق الزحمه حسابرسی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. بدین منظور چهار فرضیه برای بررسی این موضوع، تدوین و داده‌های مربوط به ۸۱ شرکت عضو بورس اوراق بهادار تهران برای دوره زمانی بین سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۳ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج پژوهش نشان داد که عدم قطعیت مدیریت، ارتباط

مثبت و معناداری با حق الزحمه حسابرسی دارد. همچنین، یافته‌های پژوهش بیانگر این است که اندازه مؤسسه حسابرسی و دوره تصدی حسابر، تأثیر مثبت و معناداری بر رابطه بین عدم قطعیت مدیریت و حق الزحمه حسابرسی دارند. افزون بر این، نتایج پژوهش نشان داد که در صورت زیان‌ده بودن شرکت قبل از سال تغییر مدیرعامل، ارتباط مثبت بین عدم قطعیت مدیریت و حق الزحمه حسابرسی، برجسته‌تر است.

قدیم‌پور و دستگیر (۱۳۹۵) در پژوهشی به بررسی تأثیر عوامل ریسک دادخواهی حسابرسان بر حق الزحمه حسابرسی پرداختند. آنها برای دوره زمانی ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۳ تعداد ۱۰۰ شرکت سهامی عضو بورس اوراق بهادار تهران را انتخاب کردند. نتایج نشان داد از بین یازده عاملی که به عنوان عوامل موثر بر ریسک دادخواهی حسابرسان استفاده شده بود، فقط سه عامل میزان اثر بخشی کنترل داخلی، نسبت استقلال حسابر و تمرکز مالکیت بر حق الزحمه حسابرسی تأثیری معنادار دارند. آنها در پایان نتیجه گرفتند حسابرسان مستقل به مساله ریسک دادخواهی توجه چندانی ندارند و حق الزحمه حسابرسی بیشتر بر اساس حجم عملیات رسیدگی تعدیل می‌شود.

کانان، پیساریس و گلیسون (۲۰۱۲)، در پژوهشی اثر ریسک حسابرسی را بر حق الزحمه حسابرسی مورد بررسی قرار دادند. آنها لگاریتم تفاوت حقوق و مزایای مدیر ارشد اجرایی و میانگین حقوق و مزایای پنج مدیر سطوح پایین تر را به عنوان ریسک حسابرسی در نظر گرفته و ارتباط آن را با حق الزحمه حسابرسی مورد بررسی قرار دادند. نتایج پژوهش آنها نشان داد هر چه تفاوت حقوق پیشگفته بیشتر گردد حق الزحمه حسابرسی به طور معنی‌داری افزایش می‌گردد.

کانان، اسکانتز و هیگز (۲۰۱۴) در پژوهشی اثر مشوق‌های رقابتی حقوق صاحبان سهام مرتبط با مدیر مالی و مدیر اجرایی را بر گستره حسابرسی، میزان ریسک درک شده از سوی حسابر و در نتیجه حق الزحمه حسابرسی مورد بررسی قرار دادند. نتایج پژوهش آنها نشان داد بازدهی سهام (vega) بر حق الزحمه حسابرسی، گستره حسابرسی و ریسک حسابرسی اثری مستقیم و معنی دار دارد، در حالیکه قیمت سهام (delta) اثری معنی‌دار ندارد.

هاب، مولر و ورگا (۲۰۱۵) در پژوهشی به بررسی ارتباط مشوق‌های رقابتی و تقلب در شرکت‌ها پرداختند. نتایج نشان داد در شرکت‌هایی که مشوق‌های رقابتی قوی‌تر می‌باشند و یا به عبارتی دیگر تفاوت حقوق و مزایای مدیر ارشد اجرایی و سایر مدیران سطوح پایین تر بیشتر می‌شود، مدیران انگیزه بیشتری به تقلب دارند. در این شرکت‌ها در صورتی که سنجش عملکرد افراد معیاری برای ارتقاء به جایگاه مدیر اجرایی تلقی گردد میزان دستکاری عملکرد و تخلف‌ها نیز افزایش می‌یابد.

کیم، لی و لی (۲۰۱۵) در پژوهشی به بررسی اثر مشوق‌های حقوق صاحبان سهام مرتبط با مدیر ارشد اجرایی (مانند سهامی که مدیر ارشد اجرایی مالک آن است) بر حق الزحمه حسابرسی پرداختند. نتایج پژوهش آنها نشان داد بازدهی سهام (vega) بر حق الزحمه حسابرسی اثری مستقیم و معنی دار دارد، در حالیکه قیمت سهام (delta) بر حق الزحمه حسابرسی اثری معنی‌دار ندارد. نتایج تحقیق نشان داد حسابرسان به مشوق‌های

رقابتی که بر کنترل حقوق صاحبان سهام اثر گذار است به علت اثری که بر ثروت مدیران اجرایی دارد حساس هستند و این حساسیت را در حق الزحمه بالاتر نشان می‌دهند.

چن و همکاران (۲۰۱۵) در پژوهشی به بررسی ارتباط بین مشوق‌های مربوط به حقوق صاحبان سهام و قیمت‌گذاری حسابرسی پرداختند. نتایج پژوهش آنها نشان داد نوسانات نرخ بازده سهام با حق الزحمه حسابرسی همبستگی مستقیم و معنی‌داری دارد. علاوه بر این نتایج نشان داد هنگامی که مدیر ارشد اجرایی مسن تر می‌باشد رابطه بین مشوق‌های حقوق صاحبان سهام و حق الزحمه حسابرسی قوی‌تر می‌گردد. آنها در ادامه ادعا کردند حسابرسان ریسک ناشی از مشوق‌های حقوق صاحبان سهام را با افزایش حق الزحمه حسابرسی جبران می‌کنند.

بریان و ماسون (۲۰۱۷) در پژوهشی به بررسی اثر مشوق‌های رقابتی بر حق الزحمه حسابرسی پرداختند. آنها معتقد بودند مشوق‌های رقابتی بر درک حسابرس از ریسک اثرگذار است و مشوق‌های رقابتی را عاملی در افزایش تحریف بااهمیت در صورت‌های مالی و در نتیجه افزایش حق الزحمه حسابرس می‌دانستند. نتایج پژوهش آنها نشان داد این دو متغیر رابطه‌ای مستقیم و معنی‌دار داشته و متغیرهای تعدیلگری مانند سن مدیر اجرایی، دوره تصدی مدیر اجرایی و دوره تصدی حسابرس بر این رابطه اثری معنی‌دار دارد.

۴. فرضیه پژوهش

با توجه به مطالبی که در بخش مبانی نظری و پیشینه تحقیق در رابطه با مولفه‌های مشوق رقابتی و حق الزحمه حسابرسی و ارتباط آن‌ها با موضوع ریسک مطرح شد، فرضیه پژوهش به صورت زیر مطرح می‌گردد:

مشوق‌های رقابتی برای مدیران ارشد اجرایی با حق الزحمه حسابرسی شرکت‌ها (با در نظر اثر متغیرهای تعدیلگر بازده کل دارایی‌ها، بازده حقوق صاحبان سهام، نسبت بدهی و نسبت جاری و متغیرهای کنترلی نوع حسابرس، نوع حسابرسی و اندازه شرکت) رابطه معنی‌داری دارد.

۵. متغیرهای پژوهش

متغیر مستقل: برای اندازه‌گیری متغیر مکنون مشوق‌های رقابتی (Tournament Incentives) از ۵ مولفه استفاده شده است؛ لگاریتم تفاوت حقوق مدیر ارشد اجرایی و میانگین حقوق سایر مدیران (ΔFee) (هاب و همکاران، ۲۰۱۵؛ کال و همکاران، ۲۰۰۹؛ کینی و ویلیامز، ۲۰۱۲)، لگاریتم سود خالص واقعی شرکت (Real NI)، لگاریتم سود خالص پیش‌بینی شده شرکت (Future NI)، لگاریتم بازدهی سالانه ناشی از سود سهام (Vega) و لگاریتم بازده سهام ناشی از تغییر قیمت کل سهامی که مدیر ارشد اجرایی مالک آن است (Delta) (بریان و ماسون، ۲۰۱۷ و چن و همکاران، ۲۰۱۵).

متغیر وابسته: برای اندازه‌گیری حق الزحمه حسابرسی (Fees Audit) از لگاریتم طبیعی حق الزحمه حسابرسی مطالبه شده از سوی حسابرس استفاده شده است.

متغیرهای کنترلی: این نوع متغیرها شامل متغیر نوع حسابرس (Auditor Type)، نوع حسابرسی (Auditing Type) و اندازه شرکت (Size) می‌باشند. موسسات حسابرسی معتمد بورس بر اساس طبقه بندی صورت گرفته در چهار طبقه قرار می‌گیرند که همین طبقه بندی بورس برای این موسسات، متغیر نوع حسابرس را تعیین می‌کند. در صورتی که حسابرس معتمد بورس در طبقه ۱ یا ۲ باشد عدد متناظر ۱ و در صورتی که در طبقه ۳ یا ۴ قرار داشته باشد عدد ۰ به آن اختصاص داده خواهد شد. نوع حسابرسی نیز شامل حسابرسی نخستین و حسابرسی بعد از حسابرسی نخستین است. در صورتی که حسابرسی نخستین نباشد عدد ۱ و در صورتی که حسابرسی انجام شده حسابرسی نخستین باشد عدد ۰ به آن اختصاص داده خواهد شد. برای اندازه شرکت نیز از لگاریتم طبیعی جمع کل دارایی‌های شرکت استفاده می‌گردد (بریان و ماسون، ۲۰۱۷ و چن و همکاران، ۲۰۱۵).

متغیرهای تعدیلگر: این متغیرها شامل بازده کل دارایی‌ها (ROA)، بازده حقوق صاحبان سهام (ROE)، نسبت بدهی (LEV) و نسبت جاری (CR) می‌باشد (بریان و ماسون، ۲۰۱۷ و هاب و همکاران، ۲۰۱۵).

۶. روش‌شناسی پژوهش

جامعه آماری این پژوهش، شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و نمونه آماری این پژوهش با اعمال پنج معیار انتخاب شده است: سال مالی شرکت منتهی به پایان اسفندماه باشد، در طی سال‌های ۱۳۹۸ تا ۱۴۰۱ تغییر سال مالی و یا تغییر فعالیت نداده باشد؛ شرکت سرمایه‌گذاری و واسطه‌گری مالی نباشد و اطلاعات مالی مورد نیاز در دسترس باشد.

برخی از داده‌های پژوهش از طریق سایت‌های بورس اوراق بهادار تهران و نرم‌افزار ره آورد نوین ۳ استخراج شد. برای دستیابی به تفاوت ریالی حقوق و مزایای مدیران ارشد اجرایی و سایر مدیران اجرایی و همچنین مقدار سهام احتمالی تحت تملک مدیر ارشد اجرایی از طریق مصاحبه تلفنی، مراجعه حضوری و ارسال پرسشنامه از طریق شبکه‌های اجتماعی (تلگرام) برای مدیران مالی اقدام گردید. برای همکاری بهتر، هدایایی نیز برای مدیران مالی ارسال گردید. در نهایت پژوهشگر توانست برای ۴۹ شرکت داده‌های مورد نیاز را گردآوری نماید.

از آنجایی که به علت وجود متغیرهای تعدیلگر و کنترلی، ارتباط بین متغیرهای پژوهش پیچیده است نمی‌توان با کمک نرم‌افزارهای آماری معمولی مانند SPSS فرضیه‌های پژوهش را بررسی نمود. به باور چن، مارکولین و نیوستد (۱۹۹۶)، رویکرد مدل یابی معادلات ساختاری، رویکردی نیرومند برای بررسی مدل‌هایی است که در آن‌ها متغیرهای تعدیل‌کننده وجود دارد. ضمناً با توجه به اینکه رویکرد معادلات ساختاری به اندازه نمونه حساس نیست و همچنین عدم حساسیت رویکرد حداقل مربعات جزئی به نرمال یا غیر نرمال بودن داده‌ها (محسنین و اسفیدانی، ۱۳۹۵)، از بین نرم‌افزارهای معادلات ساختاری مبتنی بر کوواریانس (Lisrel و



Amos) و مبتنی بر واریانس (PLS)، در نهایت نرم‌افزار معادلات ساختاری مبتنی بر واریانس حداقل مربعات جزئی انتخاب شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار Smart-PLS بهره گرفته شد. آمار توصیفی مربوط به داده‌های متغیرهای پژوهش برای ۴۹ شرکت انتخاب شده، در نگاره (۱) آورده شده است. با توجه به اینکه تمامی متغیرهای پژوهش کمی نیستند، نگاره (۱) در دو بخش کمی و کیفی ارائه شده است. در بین متغیرهای کمی نگاره (۱)، همانطور که مشاهده می‌شود کمترین و بیشترین لگاریتم طبیعی تفاوت حقوق مدیران ارشد اجرایی و سایر مدیران به ترتیب ۶/۳ و ۸/۶۵۵ است. میانگین لگاریتم طبیعی تفاوت حقوق مزبور ۷/۵۳۵ است. علاوه بر این اطلاعات مربوط به انحراف معیار، کشیدگی و چولگی متغیرهای پژوهش نیز در این نگاره قابل مشاهده است. بخش دوم نگاره (۱) مربوط به متغیرهای کیفی پژوهش است. برای متغیر نوع حسابرس، اعداد متناظر ۱ برای موسسه حسابرسی معتمد طبقه ۱ یا ۲ و عدد ۰ برای موسسه حسابرسی معتمد طبقه ۳ یا ۴ بکارگرفته شد. با توجه به اطلاعات مندرج در نگاره (۱)، ۵۹ درصد شرکت‌ها برای حسابرسی با حسابرسان معتمد طبقه ۱ یا ۲ عقد قرارداد نموده‌اند و ۴۱ درصد آنها موسسات حسابرسی معتمد طبقات ۳ یا ۴ را ترجیح می‌دهند.

نگاره ۱. آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

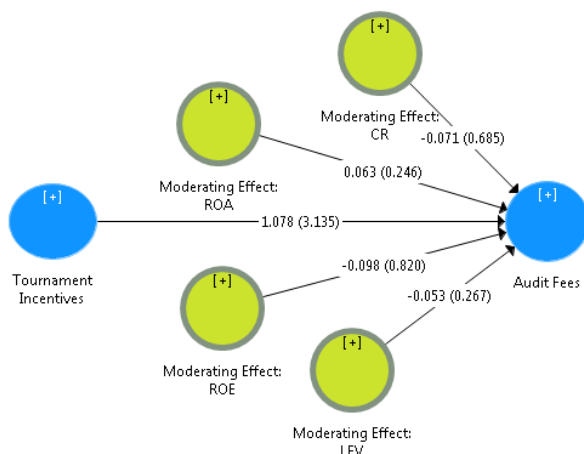
متغیرهای کمی	حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف معیار	کشیدگی	چولگی
لگاریتم تفاوت حقوق مدیر ارشد اجرایی با سایر مدیران	۶/۳	۸/۶۵۵	۷/۵۳۵	۰/۳۶۷	۶/۱۴۵	-۰/۸۸۲
لگاریتم ارزش دفتری دارایی	۱۱/۳۲۰	۱۳/۰۸۰	۱۱/۸۷۳	۰/۵۰۶	-۰/۱۰۶	۱/۰۲۱
لگاریتم سود خالص واقعی	-۱۲/۰۲۳	۱۱/۶۵۴	۰/۲۶۵	۶/۷۱۳	-۱/۱۶۷	۰/۰۱۰
لگاریتم سود خالص پیش بینی شده	-۱۰/۳۱۴	۱۳/۰۵۳	۰/۵۸۸	۶/۸۵۳	-۱/۱۶۹	۰/۰۱۰
لگاریتم بازدهی سهام ناشی از سود	۰	۸/۲۸۶	۶/۵۲۲	۳/۰۹۸	۰/۸۵۸	-۱/۶۷۵
لگاریتم بازدهی سهام ناشی از قیمت	۶/۶۹۹	۷/۲۸۸	۶/۹۹۱	۰/۱۷۰	-۱/۰۹۳	-۰/۰۰۸
نرخ بازده دارایی	-۰/۵۳۶	۰/۶۷۲	۰/۲۸۲	۰/۲۱۱	-۱/۱۳۶	-۰/۰۶۰
نسبت بدهی	۰/۰۱۲	۰/۳۲۴	۰/۱۳۸	۰/۱۵۹	-۰/۹۹۳	۰/۱
نسبت جاری	۰/۱۲۰	۸/۳۰۱	۳/۹۵۵	۲/۲۶۹	-۱/۱۲۶	۰/۰۳۸
نرخ بازده حقوق صاحبان سهام	-۳/۵	۲/۲	۰/۳۲	۲/۲۴۹	-۰/۹۹	-۰/۰۴۱
متغیر کیفی	فراوانی	درصد فراوانی				
نوع حسابرس: معتمد طبقه ۱ یا ۲	۱۱۵	۵۹ درصد				
نوع حسابرس: معتمد طبقه ۳ یا ۴	۸۱	۴۱ درصد				
نوع حسابرسی: نخستین (۱)	۶۸	۳۵ درصد				
نوع حسابرسی: غیر نخستین (۰)	۱۲۸	۶۵ درصد				
		تعداد کل				
		۱۹۶ سال-شرکت				
		۱۹۶ سال-شرکت				

منبع: یافته‌های پژوهش

۷. یافته‌های پژوهشی

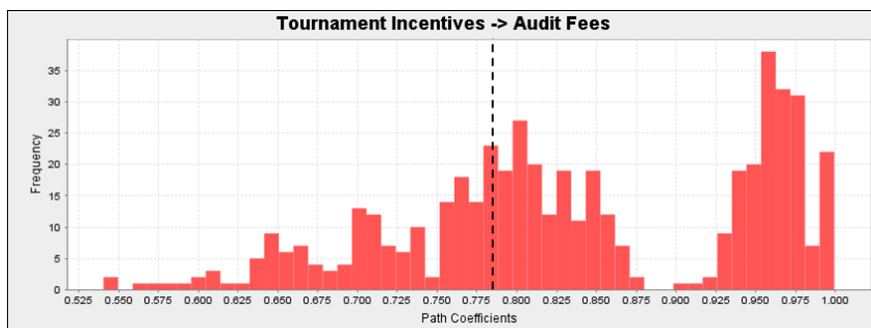
یکی از شاخص‌های تایید روابط در مدل ساختاری معنادار بودن ضرایب مسیر می‌باشد. ضریب مسیر بیان‌کننده وجود رابطه علی خطی و شدت و جهت این رابطه بین دو متغیر مکنون است. عددی بین ۱- تا ۱+ است که اگر برابر با صفر شود، نشان دهنده نبود رابطه علی خطی بین دو متغیر پنهان است (ولایی و همکاران، ۲۰۱۷). ضرایب مسیر در شکل (۲) قابل مشاهده است. معناداری ضرایب مسیر مزبور نیز در نگاره (۲) قابل مشاهده است.

شکل ۲. ضرایب مسیر و آماره تی



همانطور که در شکل (۲) مشاهده می‌گردد، ضریب مسیر و آماره تی محاسبه شده برای ارتباط بین دو متغیر مشوق‌های رقابتی و حق الزحمه حسابرسی به ترتیب ۱/۰۷۸ و ۳/۱۳۵ است. بنابراین این دو متغیر رابطه‌ای مستقیم با یکدیگر دارند، به عبارت دیگر با افزایش مشوق‌های رقابتی، حق الزحمه حسابرسی نیز افزایش می‌یابد. البته عدد محاسبه شده برای ضریب مسیر، با احتساب اثر چهار متغیر تعدیلگر پژوهش محاسبه شده است، که بدون در نظر گرفتن اثر متغیرهای تعدیلگر، مطابق آنچه در نمودار هیستوگرامی شکل (۳) مشاهده می‌شود، ضریب مسیر مزبور ۰/۷۸۵ خواهد بود. بنابراین دخالت دادن متغیرهای تعدیلگر در رابطه بین مشوق‌های رقابتی و حق الزحمه حسابرسی باعث افزایش جزئی در ضریب مسیر خواهد شد.

شکل ۳. نمودار هیستوگرامی ضریب مسیر فرضیه پژوهش، بدون حضور متغیرهای تعدیلگر



برای بررسی معناداری ضریب مسیر بین دو متغیر مستقل و وابسته پژوهش حاضر، به نگاره (۲) مراجعه می‌شود. با توجه به اینکه ضریب معناداری فرضیه پژوهش کوچکتر از ۵ درصد است، بنابراین می‌توان ادعا کرد با در نظر گرفتن اثر متغیرهای تعدیلگر، رابطه‌ای مستقیم و معنی‌دار بین مشوق‌های رقابتی و حق الزحمه حسابرسی وجود دارد.

نگاره ۲. معناداری ضریب مسیر فرضیه

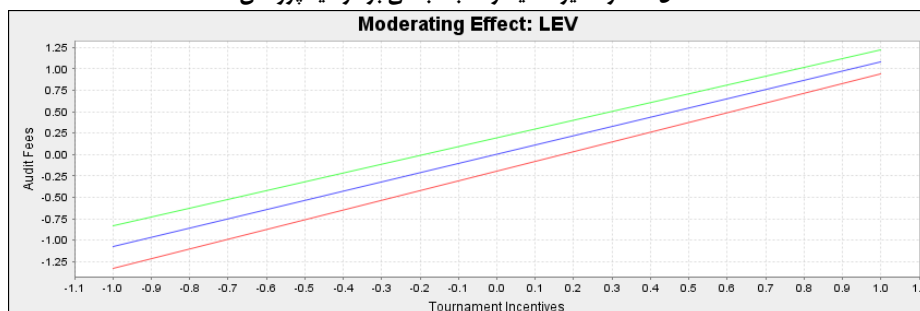
انحراف معیار	آماره t	p-value	انتهای مسیر	ابتدای مسیر
۰/۳۴۴	۳/۱۳۵	۰/۰۰۲	حق الزحمه حسابرس	مشوق‌های رقابتی

منبع: یافته‌های پژوهش

با توجه به اینکه پیشتر گفته شد متغیرهای تعدیلگر باعث افزایش اندازه ضریب مسیر شده‌اند، به منظور بررسی نوع اثری که هر یک از متغیرهای تعدیلگر بر فرضیه پژوهش دارند باید به شکل‌های (۴)، (۵)، (۶) و (۷) مراجعه نمود. در این شکل‌ها خط قرمز اثر متغیر مشوق‌های رقابتی بر حق الزحمه حسابرسی را بدون در نظر گرفتن اثر متغیر تعدیلگر مربوطه، خط سبز اثر رابطه مزبور را با در نظر گرفتن اثر متغیر تعدیلگر و خط آبی میانگین دو خط را نشان می‌دهد.

در شکل (۴) ارتباط متغیر مستقل و وابسته پژوهش با و بدون در نظر گرفتن اثر متغیر تعدیلگر نسبت بدهی به نمایش در آمده است. با توجه به اینکه شیب خط سبز از شیب خط قرمز کندتر است می‌توان ادعا کرد در صورتی که مشوق‌های رقابتی افزایش یابد، با در نظر گرفتن متغیر تعدیلگر نسبت بدهی، حق الزحمه حسابرسی با شیب کندتری نسبت به شرایطی که متغیر مزبور دخالت داده نشود افزایش می‌یابد. بنابراین می‌توان گفت شدت رابطه مستقیم بین دو متغیر پژوهش با در نظر گرفتن اثر متغیر تعدیلگر نسبت بدهی کاهش می‌یابد. با توجه به ضریب معناداری ۰/۷۸۹ که در نگاره (۳) آورده شده است می‌توان ادعا کرد اثر مزبور معنی‌دار نیست.

شکل ۴. اثر متغیر تعدیلگر نسبت بدهی بر فرضیه پژوهش



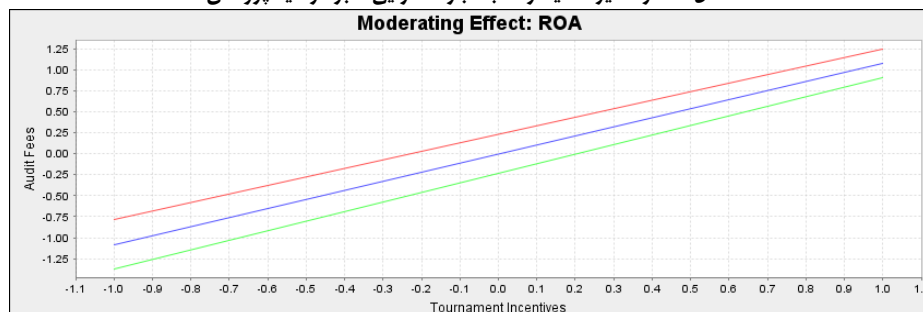
نگاره ۳. معناداری اثر متغیرهای تعدیلگر

متغیر تعدیلگر	انحراف معیار آماره t	p-value
نسبت بدهی (LEV)	۰/۱۹۹	۰/۲۶۷
نرخ بازده دارایی (ROA)	۰/۲۵۷	۰/۸۰۶
نسبت جاری (CR)	۰/۱۰۴	۰/۴۹۳
نرخ بازده حقوق صاحبان سهام (ROE)	۰/۱۲۰	۰/۸۲۰

منبع: یافته‌های پژوهش

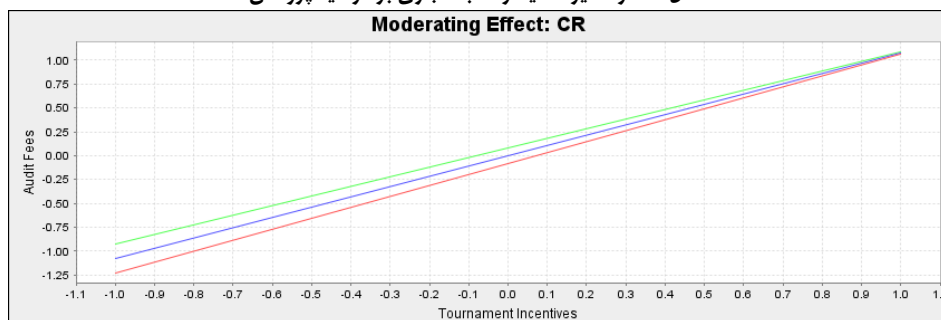
در شکل (۵) ارتباط متغیر مستقل و وابسته پژوهش با و بدون در نظر گرفتن اثر متغیر تعدیلگر نسبت بازده دارایی‌ها به نمایش درآمده است. با توجه به اینکه شیب ارتباط بین دو متغیر پژوهش با در نظر گرفتن متغیر تعدیلگر مزبور تندتر می‌شود می‌توان ادعا کرد با اثر دادن متغیر تعدیلگر، رابطه مستقیم بین مشوق‌های رقابتی و حق الزحمه حسابرسی تقویت می‌گردد. با توجه به اینکه در نگاره (۳) ضریب معناداری برای اثر این متغیر تعدیلگر، ۰/۸۰۶ محاسبه شده است پس می‌توان گفت این متغیر بر رابطه بین دو متغیر مشوق‌های رقابتی و حق الزحمه حسابرسی اثری معنادار ندارد.

شکل ۵. اثر متغیر تعدیلگر نسبت بازده دارایی‌ها بر فرضیه پژوهش

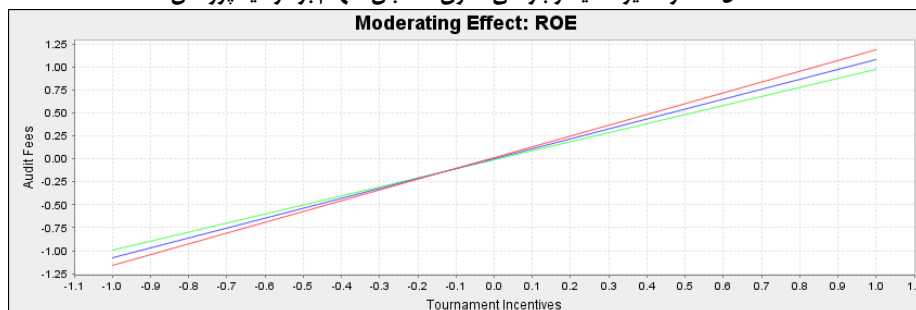


ارتباط متغیر حق الزحمه حسابرسی و مشوق‌های رقابتی با و بدون در نظر گرفتن اثر متغیر تعدیلگر نسبت جاری و نسبت بازده حقوق صاحبان سهام به ترتیب در شکل (۶) و (۷) آمده است. با توجه به اینکه شیب ارتباط بین دو متغیر اصلی پژوهش با در نظر گرفتن متغیرهای تعدیلگر مزبور کمتر می‌شود می‌توان ادعا کرد با اثر دادن متغیرهای تعدیلگر بر رابطه بین مشوق‌های رقابتی و حق الزحمه حسابرسی، از شدت رابطه مستقیم بین آنها کاسته می‌شود. با توجه به اینکه در نگاره (۳) ضریب معناداری برای اثر این متغیرهای تعدیلگر، بزرگتر از ۵ درصد محاسبه شده است پس می‌توان گفت متغیرهای تعدیلگر مزبور بر رابطه بین دو متغیر مشوق‌های رقابتی و حق الزحمه حسابرسی اثری معنادار ندارد.

شکل ۶. اثر متغیر تعدیلگر نسبت جاری بر فرضیه پژوهش



شکل ۷. اثر متغیر تعدیلگر بازدهی حقوق صاحبان سهام بر فرضیه پژوهش



۸. بحث و نتیجه گیری

پژوهش‌های مختلف سراسر دنیا به حضور گسترده مدیران ارشد اجرایی در تقلب‌های مالی و اداری گواهی داده‌اند. در ایران نیز با توجه به عدم توجه پژوهش‌های داخلی به موضوع ریسک تقلب، توجه به این حوزه نیازی اساسی به نظر می‌رسد. یکی از عواملی که پژوهش‌های پیشین ادعا کرده‌اند بر ریسک حسابرسی و در

نتیجه حق الزحمه حسابرسی اثر گذار است مشوق‌های رقابتی است. بنابراین نتایج پژوهش حاضر می‌تواند پاسخی به این سوال باشد که آیا مشوق‌های رقابتی در افزایش حق الزحمه حسابرسی اثر گذار است یا خیر.

هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی رابطه بین مشوق‌های رقابتی بر حق الزحمه حسابرسی است. به منظور بررسی دقیق‌تر، اثر متغیرهای تعدیلگر بازده کل دارایی‌ها، بازده حقوق صاحبان سهام، نسبت بدهی و نسبت جاری نیز بر رابطه بین مشوق‌های رقابتی و حق الزحمه حسابرسی مورد بررسی قرار گرفت. علاوه بر این با توجه به اینکه حق الزحمه حسابرسی تحت تاثیر عواملی همچون اندازه شرکت (اندازه دارایی‌ها)، نوع موسسه حسابرسی و نوع حسابرسی (نخستین و غیر نخستین) است اثر این متغیرها کنترل گردید.

نتایج پژوهش نشان داد مشوق‌های رقابتی بر حق الزحمه حسابرسی اثری مستقیم و معنی‌دار دارد اما متغیرهای تعدیلگر بازده کل دارایی‌ها، بازده حقوق صاحبان سهام، نسبت بدهی و نسبت جاری؛ هیچکدام اثری معنی‌دار بر رابطه مزبور ندارند. این نتیجه با نتایج پژوهش‌های بریان و ماسون (۲۰۱۷)، کانان، پیساریس و گلیسون (۲۰۱۲)، کانان، اسکانتز و هیگز (۲۰۱۴) و چن و همکاران (۲۰۱۵) تطابق دارد.

به اعضای هیات مدیره شرکت‌ها پیشنهاد می‌شود، برای همسو کردن اهداف مدیر ارشد اجرایی و سهامداران شرکت، صرفاً بر عوامل انگیزشی مانند حقوق‌های مبتنی بر عملکرد، پاداش‌های مبتنی بر سود خالص و سود حاصل از سهامی که مدیر ارشد اجرایی مالک آن است اکتفا نکنند، چراکه حسابرسان به این نوع مشوق‌های رقابتی به عنوان عاملی در افزایش ریسک تقلب نگرسته و حق الزحمه حسابرسی بالاتری را مطالبه می‌نمایند. به پژوهشگران آتی توصیه می‌شود برای بررسی دقیق‌تر ابعاد این موضوع، رابطه بین دو متغیر مشوق‌های رقابتی و حق الزحمه حسابرسی را از طریق دخالت دادن متغیرهایی مانند سن مدیر ارشد اجرایی، دوره تصدی مدیر ارشد اجرایی، دوره تصدی حسابرسان و ... مورد بررسی قرار دهند.

منابع فارسی:

- خدادادی، ولی، ویسی، سجاد و علی چراغی نیا. (۱۳۹۵). عدم قطعیت مدیریت و حق الزحمه حسابرسی. دانش حسابداری، دوره ۷، شماره ۲۷، صص ۱۳۳-۱۰۹.
- سجادی، سید حسین، رشیدی باغی، محسن، ابوبکری، عبدالرحمن و محسن شیرعلی زاده. (۱۳۹۴). رابطه ی بین حق الزحمه ی حسابرسی و پاداش هیئت مدیره. پژوهش های تجربی حسابداری. دوره ۵، شماره ۱، صص ۵۸-۳۹.
- قدیم پور، جواد و محسن دستگیر. (۱۳۹۵). بررسی تأثیر عوامل ریسک دادخواهی حسابرسان بر حق الزحمه حسابرسی. پژوهش های حسابداری مالی، دوره ۸، شماره ۴، صص ۵۴-۳۷.
- محسنین، شهریار و محمد رحیم اسفیدانی. (۱۳۹۵). معادلات ساختاری مبتنی بر رویکرد حداقل مربعات جزئی. تهران: انتشارات کتاب مهربان.

References:

- American Institute of Certified Public Accountants (AICPA) (۲۰۰۲). Considerations of Fraud in a Financial Statement Audit. Statement on Auditing Standards No. ۹۹. New York, NY: AICPA.
- American Institute of Certified Public Accountants (AICPA) (۲۰۰۶). Audit Risk and Materiality in Conducting an Audit. Statement on auditing standards No. ۱۰۷. New York, NY: AICPA.
- Beasley, M.S., Carcello, J. V., Hermanson, D. R., and T. L. Neal. (۲۰۲۲). Fraudulent Financial Reporting: ۱۹۹۸-۲۰۰۷ An Analysis of U.S. Public Companies. Committee of Sponsoring Organizations of the Treadway Commission, May.
- Bedard, J., and K. Johnstone. (۲۰۰۴). Earnings Manipulation Risk, Corporate Governance Risk, and Auditors' Planning and Pricing Decisions. The Accounting Review, Vol. ۷۹, No. ۲, Pp. ۲۷۷-۳۰۴.
- Bell, T., Landsman, W., and D. Shackelford. (۲۰۰۱). Auditor's Perceived Business Risk and Audit Fees: Analysis and evidence. Journal of Accounting Research, Vol. ۳۹, No. ۱, Pp. ۳۵-۴۳.
- Billings, B., Gao, X., and Y. Jia. (۲۰۱۴). CEO and CFO Equity Incentives and the Pricing of Audit Services. Auditing: A Journal of Practice and Theory, Vol. ۳۳, No. ۲, Pp. ۱-۲۵.
- Bryan, D.B., and T.W. Mason. (۲۰۱۷). Executive Tournament Incentives and Audit Fees. Advances in Accounting, Vol. ۳۷, Pp. ۳۰-۴۵.
- Chen, Y., Gul, F., Veeraraghavan, M., and L. Zolotoy. (۲۰۱۵). Executive Equity Risk-Taking Incentives and Audit Pricing. The Accounting Review, Vol. ۹۰, No. ۶, Pp. ۲۲۰۵-۲۲۳۴.

- Chin. W. W., Marcolin, B., and P. Newsted. (۱۹۹۶). A Partial Least Squares Latent Variable Modeling Approach for Measuring Interaction Effects: Results From a Monte Carlo Simulation Study and Voice Mail Emotion/Adoption Study. Proceedings of the ۱۷th International Conference on Information Systems, Cleveland, Ohio, December ۱۶-۱۸.
- Conrads, J., Irlenbusch, B., Rilke, R., Schielke, A., and G. Walkowitz. (۲۰۱۴). Honesty in tournaments. Economics Letters, Vol. ۱۲۳, No. ۱, Pp. ۹۰-۹۳.
- Fargher, N., Jiang, A., and Y. Yu. (۲۰۱۴). How Do Auditors Perceive CEO's Risk-Taking Incentives? Accounting and Finance, Vol. ۵۴, Pp. ۱۱۵۷-۱۱۸۱.
- Ghadimpoor, J. & Dastghir, m. (۲۰۱۷). Investigating the Effects of Litigation Risk Factors on Audit Fee. Financial Accounting Research, Vol. ۸, No. ۴, Pp. ۳۷-۵۴.
- Goel, A., and A. Thakor. (۲۰۰۸). Overconfidence, CEO Selection, and Corporate Governance. The Journal of Finance, Vol. ۶۳, No. ۶, Pp. ۲۷۳۷-۲۷۸۴.
- Gul, F., Chen, C., and R. Tsui. (۲۰۰۳). Discretionary Accounting Accruals, Managers' Incentives and Audit Fees. Contemporary Accounting Research, Vol. ۲۰, No. ۳, Pp. ۴۴۱-۴۶۴.
- Harbring, C., and B. Irlenbusch. (۲۰۱۱). Sabotage in Tournaments: Evidence From a Laboratory Experiment. Management Science, Vol. ۵۷, No. ۴, Pp. ۶۱۱-۶۲۷.
- Haß, L.H., Müller, M.A., and S. Vergauwe. (۲۰۱۵). Tournament Incentives and Corporate Fraud. Journal of Corporate Finance, Vol. ۳۴, Pp. ۲۵۱-۲۶۷.
- Johnson, V., Khurana, I., and J. K. Reynolds. (۲۰۰۲). Audit-Firm Tenure and the Quality of Financial Reports. Contemporary Accounting Research, Vol. ۱۹, No. ۴, Pp. ۶۳۷-۶۶۰.
- Kale, J., Reis, E., and A. Venkateswaran. (۲۰۰۹). Rank-Order Tournaments and Incentive Alignment: The Effect on Firm Performance. The Journal of Finance, Vol. ۶۴, No. ۳, Pp. ۱۴۷۹-۱۵۱۲.
- Kannan, Y., Pissaris, S., and K. Gleason. (۲۰۱۲). CEO Domination and Audit Fees: Do Auditors Price the Potential Risk of Disperse Pay Among the Top Management Team? Advances in Quantitative Finance and Accounting, Vol. ۱۰, Pp. ۲۸۵-۳۱۵.
- Kannan, Y., Skantz, T., and J. Higgs. (۲۰۱۴). The Impact of CEO and CFO Equity Incentives on Audit Scope and Perceived Risks as Revealed Through Audit Fees. Auditing: A Journal of Practice and Theory, Vol. ۳۳, No. ۲, Pp. ۱۱۱-۱۳۹.
- Khodadadi, V., Veisi, S., Cheraghi Nia, A. (۲۰۱۷). Management Uncertainty and Audit Fees. Accounting Knowledge, Vol. ۷, No. ۲۷, Pp. ۱۰۹-۱۳۳.
- Kim, Y., Li, H., and S. Li. (۲۰۱۵). CEO Equity Incentives and Audit Fees. Contemporary Accounting Research, Vol. ۳۲, No. ۲, Pp. ۶۰۸-۶۳۸.
- Kini, O., and R. Williams. (۲۰۱۲). Tournament Incentives, Firm Risk, and Corporate Policies. Journal of Financial Economics, Vol. ۱۰۳, Pp. ۳۵۰-۳۷۶.

- Kubick, T., and A. Masli. (۲۰۱۶). Firm-Level Tournament Incentives and Corporate Tax Aggressiveness. *Journal of Accounting and Public Policy*, Vol. ۳۵, Pp. ۶۶-۸۳.
- Lazear, E., and S. Rosen. (۱۹۸۱). Rank-Order Tournaments As Optimum Labor Contracts. *Journal of Political Economy*, Vol. ۸۹, No. ۵, Pp. ۸۴۱-۸۶۴.
- Lyon, J., and M. Maher. (۲۰۰۵). The Importance of Business Risk in Setting Audit Fees: Evidence From Cases of Client Misconduct. *Journal of Accounting Research*, Vol. ۴۳, No. ۱, Pp. ۱۳۳-۱۵۱.
- Mohsenin, S. & Esfidani, M. R. (۲۰۱۶). Structural Equation with Partial Least Squares Approach, Ketab Mehraban publisher, Tehran. (in persian)
- Palmrose, Z. (۱۹۸۷). Litigation and Independent Auditors: The Role of Business Failures and Management Fraud. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, Vol. ۶, No. ۲, Pp. ۹۰-۱۰۳.
- Pratt, J., and J. Stice. (۱۹۹۴). The effects of Client Characteristics on Auditor Litigation Risk Judgments, Required Audit Evidence, and Recommended Audit Fees. *The Accounting Review*, Vol. ۶۹, No. ۴, Pp. ۶۳۹-۶۵۶.
- Prendergast, C. (۱۹۹۹). The provision of incentives in firms. *Journal of Economic Literature*, Vol. ۳۷, Pp. ۷-۶۳.
- Public Company Accounting Oversight Board (PCAOB) (۲۰۱۰). Identifying and Assessing the Risks Of material Misstatement. Auditing standard No. ۱۲. Washington, DC: PCAOB.
- Sajadi, S. H.; Rashidi Baghi, M.; Abobakri, A.; Shiralizade, M. (۲۰۱۵). The Relationship between Auditing Fees and Board Compensation. *Journal of Empirical Researches in Accounting*, vol. ۵, no. ۱, pp. ۳۹-۵۸.
- Schelleman, C., and R. Knechel. (۲۰۱۰). Short-Term Accruals and the Pricing and Production of Audit Services. *Auditing: A Journal of Practice and Theory*, Vol. ۲۹, No. ۱, Pp. ۲۲۱-۲۵۰.
- Seetharaman, A., Gul, F., and S. Lynn. (۲۰۰۲). Litigation Risk and Audit Fees: Evidence From U.K. Firms Cross-Listed on U.S. Markets. *Journal of Accounting and Economics*, Vol. ۳۳, Pp. ۹۱-۱۱۵.
- Simunic, D. (۱۹۸۰). The Pricing of Audit Services: Theory and Evidence. *Journal of Accounting Research*, Vol. ۱۸, No. ۱, Pp. ۱۶۱-۱۹۰.
- Stanley, J. (۲۰۱۱). Is the Audit Fee Disclosure a Leading Indicator of Client's Business Risk? *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, Vol. ۳۰, No. ۳, Pp. ۱۵۷-۱۷۹.
- Valaei, N., Rezaei, S., and W.K. Wan Ismail. (۲۰۱۷). Examining Learning Strategies, Creativity, and Innovation at Smes Using Fuzzy Set Qualitative Comparative Analysis and Pls Path Modeling. *Journal of Business Research*, Vol. ۷۰, No. ۱, Pp. ۲۲۴-۲۳۳.